

# **The Jurisprudential and Legal Foundations of the State's Civil Liability in Regard to Filtering (Censorship) Social Media Networks**

1. Omid Mohammadi Nia: Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Law, Faculty of Literature and Human Sciences, Valiasr University (AJ) Rafsanjan, Kerman, Iran
2. Hadi Karamati Moez\*: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tolo Mehr University, Qom, Iran. Email: keramatihadi@ut.ac.ir (Corresponding Author)

## **ABSTRACT**

In today's world, the filtering (censorship) of social media networks is employed by governments as one of the tools for controlling and managing the virtual space. However, this action can lead to serious challenges regarding the civil liability of the state and the violation of citizens' rights. This article examines the jurisprudential and legal foundations of the state's civil liability in regard to filtering social media networks. In the jurisprudential section, principles such as the rule of *Lā zarar* (no harm), respect for human dignity, the sanctity of a believer's privacy, the generality of consent, and the rule of *Tasbīb* (causation) are discussed, and their role in the state's accountability for the damages caused by filtering is clarified. These principles emphasize the necessity of safeguarding individual rights, privacy, and preventing unjust harm to citizens. In the legal section, theories of liability based on fault, the theory of risk, and the theory of guaranteed rights are analyzed. According to these theories, the state will be liable for compensating damages caused by violating fundamental rights of users, such as freedom of speech and access to information. The research methodology of this study is descriptive-analytical, and the findings indicate that the state's civil liability in regard to filtering, both from a jurisprudential and legal perspective, is mandatory. Any limitation on access to the virtual space should be carried out with respect to the fundamental rights of citizens and with consideration of its legal and social consequences.

**Keywords:** *Social media filtering, rule of Lā zarar, human dignity, fault, theory of risk, theory of guaranteed rights.*

How to cite: Mohammadi Nia, O., & Karamati Moez, H. (2024). The Jurisprudential and Legal Foundations of the State's Civil Liability in Regard to Filtering (Censorship) Social Media Networks. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 223-238.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 08 November 2024  
Revise Date: 05 December 2024  
Accept Date: 18 December 2024  
Publish Date: 30 December 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ (پالایش) شبکه‌های اجتماعی مجازی

۱. امید محمدی نیا: استادیار گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران  
۲. هادی کرامتی معز\*: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه طلع مهر، قم، ایران. پست الکترونیک: keramatihadi@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

### چکیده

در دنیای امروز، فیلترینگ (پالایش) شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای کنترل و مدیریت فضای مجازی توسط دولت‌ها به‌کار گرفته می‌شود. با این حال، این اقدام می‌تواند با چالش‌های جدی در زمینه مسئولیت مدنی دولت و نقض حقوق شهروندان همراه باشد. این مقاله به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌پردازد. در بخش فقهی، اصولی همچون قاعده لاضرر، احترام به کرامت انسانی، حرمت حریم مؤمن، عمومیت اذن و قاعده تسبیب بررسی شده و نقش آن‌ها در مسئولیت‌پذیری دولت در قبال زیان‌های ناشی از فیلترینگ تبیین می‌گردد. این قواعد بر ضرورت حفظ حقوق فردی، حریم خصوصی و عدم ورود ضرر غیرموجه به شهروندان تأکید دارند. در بخش حقوقی، نظریه‌های مسئولیت مبتنی بر تقصیر، نظریه خطر و نظریه تضمین حق تحلیل شده است. بر اساس این نظریات، دولت در صورت نقض حقوق اساسی کاربران مانند آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، مسئول جبران خسارات وارد شده خواهد بود. روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی است و یافته‌های این مقاله حاکی از آن است که مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ، چه از منظر فقهی و چه از منظر حقوقی، الزامی است و هرگونه محدودیت در دسترسی به فضای مجازی باید با رعایت حقوق اساسی شهروندان و با در نظر گرفتن پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: پالایش شبکه‌های اجتماعی، قاعده لاضرر، کرامت انسانی، تقصیر، نظریه خطر، نظریه تضمین حق.

نحوه استناددهی: محمدی نیا، امید. و کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ (پالایش) شبکه‌های اجتماعی مجازی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۲۳۸-۲۳۳.

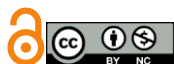
© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۸ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۵ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



مسئولیت مدنی دولت در فقه اسلامی سابقه چندانی ندارد و فقها تنها بر مسئولیت دولت در رابطه با صدور آرای اشتباه توسط قاضی که منجر به خسارت بر اشخاص گردد، استناد می‌کنند با این وجود می‌توان بر قاعده لاضرر هم تاکید نمود و اصل مسئولیت مدنی را برای دولت حاکم دانست. با این وجود، با توجه به سیر تکاملی مسئولیت مدنی این امر به عنوان یک اصل شناخته شده است که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند و بر همین اساس، تفاوتی ندارد، وارد کننده زیان چه شخص یا اشخاصی باشد.

لذا مطابق با قواعد مسئولیت مدنی، اگر فعلی زیان بار موجب ضرر بر شخصی گردد و رابطه بین ضرر و فعلی زیان بار ثابت باشد، وارد کننده مسئول جبران خسارت خواهد بود. این نگاه سنتی به مسئولیت مدنی است اما با توجه به تحولات صورت گرفته در عرصه اقتصادی و اجتماعی و مبانی حاکم بر تامین امنیت انسانی اشخاص، ارکان مسئولیت مدنی هم تغییر یافته که مورد توجه قانونگذار هم بوده است. لذا دولت نیز، دارای مسئولی مدنی است به خصوص با توجه دخالت گسترده دولت‌ها در امور اقتصادی و تولیدی، اهمیت موضوع نیز چندین برابر شده است. قانون اساسی، در اصل ۱۷۱ نیز بر مسئولیت دولت در قبال تقصیر قاضی اشاره می‌کند با این وجود در قانون مسئولیت مدنی که قبل از قانون اساسی به تصویب رسیده، بین اعمال دولت تفکیک قائل شده و مسئولیت دولت در اعمال تصدی را برخلاف اعمال حاکمیتی، پذیرفته است.

با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی، شبکه‌های اجتماعی مجازی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبادل اطلاعات، تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند. این شبکه‌ها، با فراهم آوردن امکان دسترسی سریع و آسان به اطلاعات، زمینه‌ساز تحول در شیوه‌های سنتی ارتباطات و انتقال دانش شده‌اند. با این وجود، همان‌گونه که فضای مجازی فرصت‌های زیادی را در حوزه‌های مختلف ایجاد کرده است، چالش‌ها و مخاطراتی نیز در زمینه‌های امنیتی، فرهنگی و اجتماعی پدید آورده که دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌هایی برای مدیریت این فضا وادار کرده است. یکی از این سیاست‌ها، اعمال فیلترینگ یا پالایش شبکه‌های اجتماعی مجازی است که با هدف محدود کردن دسترسی به محتوای نامطلوب یا خطرناک صورت می‌گیرد.

با این وصف پالایش فضای مجازی عمدتاً توسط دولت‌ها اعم از اقتدارگرا و مردم سالار، جهت تضمین امنیت فضای مجازی و به منظور در امان ماندن از آسیب‌های آن اعمال می‌شود. توسل به پالایش هرچند ممکن است برخی حقوق هم چون حقوق کودکان در مقابل سوء استفاده‌های جنسی و یا حقوق افراد در مقابل تبعیض را مورد حمایت قرار دهد، ولی تردیدی نیست که برخی دیگر از حقوق بنیادین از جمله حق آزادی بیان و اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی و حریم داده‌های شخصی را مختل می‌گرداند و استفاده گسترده از آن حتی منجر به نقض این حقوق می‌گردد (Pournajafi Qoshchi et al., 2020).

در راستای ارائه خدمات الکترونیکی دولت در فضای مجازی ممکن است در نتیجه تقصیر یا خطای زبانی به اشخاص وارد آید که در صورت ایراد خسارت، موضوع مسئولیت مدنی دولت، تحقق یابد؛ این محدودیت‌ها، خود را در قالب‌های گوناگونی مانند فیلترینگ و مسدودسازی نشان می‌دهد؛ اما گستره اعمال محدودیت‌ها تا کجا باید باشد تا زندگی هوشمند مبتنی بر فضای مجازی دچار اختلال نشود؛ زیرا زمانی که مردم بسیاری از فعالیت‌های خود را در بستر چنین فضایی انجام می‌دهند، اعمال فیلترینگ و مسدودسازی، زندگی مردم و تعاملات آنها را دچار اختلال می‌کند و دولت باید با برنامه ریزی مناسب، این محدودیت‌ها را به صورت گسترده اعمال نکند تا زندگی مردم که در بستر فضای مجازی است، دچار اختلال نشود.

در این زمینه، پرسش‌های متعددی درباره مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال اعمال فیلترینگ مطرح می‌شود. از جمله این پرسش‌ها آن است که دولت تا چه اندازه مسئولیت جبران خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از این اقدامات را بر عهده دارد؟ و در نهایت، آیا دولت می‌تواند بدون پذیرش مسئولیت مدنی، دست به اعمال پالایش بزند؟ مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، به تحلیل این موضوع پرداخته و سعی دارد با نگاهی تطبیقی به حقوق داخلی و آموزه‌های فقه امامیه، ابعاد مختلف این مسئولیت را تبیین نماید.

## ۱. مفهوم شناسی

برای ورود به بحث مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، ضروری است ابتدا به تبیین دقیق مفاهیم کلیدی بپردازیم. درک صحیح این مفاهیم، پایه‌ای برای تحلیل حقوقی و فقهی مسائل مرتبط با مسئولیت مدنی دولت در این حوزه است. در این قسمت، به بررسی مفاهیم «مسئولیت مدنی»، «فیلترینگ» و «شبکه‌های اجتماعی مجازی» پرداخته می‌شود تا با روشن ساختن معنای این اصطلاحات، زمینه برای بحث‌های دقیق‌تر فراهم گردد.

### ۱-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی عنوانی است که برای بیان تعهد شخص به جبران خسارت ناروایی که به دیگری وارد شده است، به کار می‌رود؛ به عبارت بهتر «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶). با این اوصاف به نظر می‌رسد که مسئولیت مدنی را می‌توان چنین تعریف کرد که هرگاه شخصی متعهد به جبران خسارات وارد به دیگری باشد که این خسارات عرفاً منسوب به وی باشد و شخص شرعاً هیچ‌گونه حقی بر اضرار به غیر نداشته باشد، مسئولیت مدنی در جبران خسارت خواهد داشت (Khodabakhshi, 2017).

بنابراین مسئولیت مدنی، یکی از مفاهیم اساسی حقوق است که به معنای الزام شخص به جبران خسارت وارده به دیگری، در نتیجه فعل یا ترک فعل غیرقانونی است. در نظام حقوقی و فقهی، مسئولیت مدنی ممکن است ناشی از تخلف از قرارداد، تقصیر در انجام وظایف قانونی یا اقداماتی باشد که موجب ضرر به دیگران می‌شود. در بحث حاضر، منظور از مسئولیت مدنی دولت، تعهد آن به جبران خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از اقدامات پالایشی و محدودکننده‌ای است که بر کاربران و کسب‌وکارهای فعال در شبکه‌های اجتماعی مجازی اعمال می‌شود.

### ۲-۱. مفهوم پالایش (فیلترینگ)

پالایش معادل فارسی فیلترینگ است که در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ معادل سازی شده است و عبارت است از محدود ساختن دسترسی کاربران اینترنت به پایگاه‌ها و خدمات اینترنتی که بر اساس ملاحظات فرهنگی و سیاسی یک کشور، دسترسی به آن‌ها برای عموم مردم مناسب نیست (Javidnia et al., 2015). فیلتر اینترنتی یا فیلترینگ عبارتست از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وبگاه‌ها و خدمات اینترنتی که از دیدگاه متولیان فرهنگی و سیاسی هر کشور برای مصرف عموم مناسب نیست، اعمال فیلتر معمولاً به وسیله ارائه دهندگان خدمات اینترنتی انجام می‌شود ولی تعیین سطح، مصادیق و سیاست‌های فیلترینگ با حکومت‌ها است (Pourghahramani, 2016).

پالایش یا فیلترینگ را در دو معنای عام و خاص به کار برده‌اند. در معنای عام پالایش عبارت است از فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص محتوا یا بسته ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترسی، جلوگیری به عمل می‌آورد. اما در تعریف خاص، فیلترینگ عبارت است از

جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس سایت. در حقیقت معنای خاص پالایش، در مقابل مسدود کردن به کار می‌رود. طبق این تفکیک هنگامی که دسترسی به کل یک سایت بر اساس آدرس آن سایت ممنوع می‌شود، آن سایت مسدود (یا بلاک) شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد پالایش گشته است (Keramati Moaz & Mirkhali, 2020).

با این وصف در بسیاری از کشورها، فیلترینگ انجام می‌شود و محدود به کشوری خاص نیست لیکن کیفیت و کمیت فیلترینگ، متفاوت است و پدیده‌ای نوظهور در کشورمان نیست و ایران را نمی‌شود تنها کشوری دانست که اعمال فیلترینگ می‌کند. این فیلترینگ در اشکال مختلف انجام می‌شود، از جمله دستور دولت مبنی بر حذف محتوای غیرقانونی در وب سایت‌هایی که در داخل کشور میزبانی می‌شود، مسدود کردن محتوای غیرقانونی که در خارج از کشور میزبانی می‌شود و فیلتر کردن نتایج توسط موتور جستجو مثل گوگل مربوط به محتوای غیرقانونی، به طور کلی، علل عمده اعمال فیلترینگ عبارت اند از: سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و امنیتی و غیره. شاید هم بتوان همه مصادیق را در معیار فرهنگی و اخلاقی جای داد؛ زیرا فرهنگ آن قدر وسعت زیادی دارد که می‌تواند مصادیق متنوعی را دربرگیرد و فیلترینگ غالباً به دلایل فرهنگی و ملاحظات دینی انجام می‌شود (Sadeghi & Qasemi, 2022).

بنابراین فیلترینگ یا پالایش، به معنای محدود کردن دسترسی کاربران به محتوای خاصی از اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این اقدام معمولاً توسط دولت‌ها یا نهادهای نظارتی به دلایل امنیتی، اخلاقی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. فیلترینگ در برخی موارد با هدف جلوگیری از انتشار محتوای نامناسب، مانند خشونت، فحشا، اطلاعات نادرست یا تهدیدات امنیتی انجام می‌شود؛ اما از سوی دیگر، می‌تواند به نقض آزادی‌های اساسی همچون حق آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات منجر شود.

### ۱-۳. مفهوم شبکه‌های اجتماعی مجازی

اصطلاح شبکه اجتماعی<sup>۱</sup> قبل از ایجاد اینترنت وجود داشت ولی «محبوبیت خود را مدیون توسعه و پیشرفت برنامه‌هایی مانند: فیس بوک<sup>۲</sup>، مای اسپیس<sup>۳</sup> و لینکدین<sup>۴</sup> می‌باشد (Yang et al., 2006)؛ از این رو شبکه‌های اجتماعی هم می‌تواند مجازی باشد و هم می‌تواند حقیقی باشد؛ ولی موضوع بحث کتاب حاضر صرفاً شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

شبکه‌های اجتماعی مجازی «پایگاه یا مجموعه‌ای از پایگاه‌هایی است که به کاربران امکان می‌دهد تا علاقه مندی‌های افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. از این رو، شبکه‌های اجتماعی پایگاه‌هایی هستند که با استفاده از یک موتور جستجوگر و افزودن امکاناتی مانند چت، پیام رسانی الکترونیک، انتقال تصویر و صدا و غیره، امکان ارتباط بیشتر کاربران را در قالب شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی فراهم می‌آورند» (Ameli, 2017).

شبکه‌های اجتماعی مجازی در حال حاضر قوی‌ترین رسانه آنلاین در دنیا به شمار می‌روند و علاوه بر امکانات عمومی نظیر اضافه کردن دوست، به اشتراک گذاری متن، تصویر و ویدئو و ارسال پیام، امکانات مختلف و متنوعی را بر حسب هدف و کاربری خود به کاربران خود می‌دهند. با ظهور گوشی‌های هوشمند، این شبکه‌ها امروزه از طریق گوشی‌های هوشمند همه جا قابل دسترسی هستند (Keramati Moaz, 2020).

1. Virtual Social Networks.

2. Facebook.

3. Myspace

4. LinkedIn

شبکه‌های اجتماعی مجازی، پلتفرم‌هایی آنلاین هستند که به کاربران امکان می‌دهند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، محتوا به اشتراک بگذارند و اطلاعات را تبادل کنند. این شبکه‌ها به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره بسیاری از افراد تبدیل شده‌اند و نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارند. از جمله مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی می‌توان به «اینستاگرام»<sup>۱</sup>، «توییتر»<sup>۲</sup> و «تلگرام»<sup>۳</sup> و «فیس‌بوک» اشاره کرد.

با این توضیحات، مفهوم‌شناسی این سه واژه به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از چالش‌ها و مسئولیت‌های دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی داشته باشیم و در ادامه به بررسی مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با این مسئولیت بپردازیم.

## ۲. مبانی فقهی

از منظر فقه اسلامی، مسئولیت مدنی دولت و نهادهای حاکمیتی در قبال شهروندان و حفظ حقوق آنان، از اصول بنیادین به شمار می‌رود. اما سوال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود، چگونگی این اصول فقهی با شرایط و چالش‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی منطبق است. در این قسمت با هدف بررسی مبانی فقهی مسئولیت مدنی دولت در شبکه‌های اجتماعی مجازی، به تحلیل این موضوع می‌پردازد.

### ۲-۱. قاعده لاضرر

یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که در بحث مسئولیت مدنی دولت قابل استناد است، قاعده لاضرر می‌باشد. این قاعده که برگرفته از حدیث معروف نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است، به معنای نفی هرگونه ضرر و زیان ناحق در اسلام می‌باشد. بر اساس این قاعده، هیچ‌کس نباید به دیگران ضرر وارد کند و اگر چنین ضرری واقع شود، متضرر حق دارد جبران خسارت خود را طلب کند. در زمینه مسئولیت دولت، این قاعده جایگاه ویژه‌ای دارد، چرا که دولت مسئولیت حفاظت از حقوق شهروندان و جلوگیری از ایجاد ضرر به آن‌ها را بر عهده دارد.

در مورد دامنه شمول لاضرر بر اعمال دولت و مسئول دانستن آن می‌توان گفت که، اطلاق لاضرر در ضمان دولت، گاهی اوقات در عرصه عمل، ممکن است موجب به وجود آمدن ضرر مهم‌تری بشود که به اختلال در اداره امور از سوی دولت بیانجامد. در این صورت، باید اقل‌الضررین را انتخاب نمود و به تحدید و تقیید لاضرر، به وسیله خود لاضرر قائل شد (Heidari & Ghamami, 2021).

در بحث پالایش شبکه‌های اجتماعی مجازی، قاعده لاضرر می‌تواند مبنای بررسی مسئولیت مدنی دولت باشد. از یک سو، دولت‌ها به عنوان نهادهای حافظ امنیت اجتماعی و فرهنگی، وظیفه دارند تا از انتشار محتوای آسیب‌زا یا خلاف قوانین جلوگیری کنند و فضای مجازی را برای شهروندان امن سازند. این وظیفه در چارچوب مسئولیت دولت برای جلوگیری از ضرر به جامعه می‌گنجد. اما از سوی دیگر، اعمال فیلترینگ ممکن است به حقوق فردی شهروندان، از جمله حق دسترسی به اطلاعات و آزادی بیان، آسیب برساند و ضررهایی مادی و معنوی به آن‌ها وارد کند. برای مثال، مسدودسازی شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به کسب‌وکارهای آنلاین ضررهای مالی قابل توجهی وارد کند یا باعث محدود شدن جریان اطلاعات و تعاملات فرهنگی شود.

بر اساس قاعده لاضرر، اگر دولت از طریق اعمال فیلترینگ، به شهروندان ضرر ناحق وارد کند، ممکن است مسئولیت مدنی برای جبران این ضررها بر عهده داشته باشد. برای مثال، اگر فیلترینگ بدون دلیل موجه یا بر اساس قوانین غیرشفاف و ناعادلانه انجام شود و کسب‌وکارها یا

1. Instagram.

2. Twitter.

3. Telegram.

افراد متحمل خسارت شوند، بر مبنای قاعده لاضرر، دولت می‌بایست جبران این خسارات را انجام دهد. با این حال، اگر دولت بتواند اثبات کند که اعمال فیلترینگ به دلیل جلوگیری از زیان‌های بزرگ‌تر و با هدف حفظ امنیت و منافع عمومی بوده است، ممکن است از مسئولیت مدنی مبرا شود. در این راستا، تحلیل دقیق شرایط و میزان ضرری که به شهروندان وارد می‌شود و نیز هدف و ضرورت اعمال پالایش نقش تعیین‌کننده‌ای در مسئولیت دولت دارد.

یکی از چالش‌های اصلی در استفاده از قاعده لاضرر در زمینه فیلترینگ، برقراری تعادل میان حقوق عمومی و حقوق فردی است. از یک سو، دولت به عنوان نماینده منافع عمومی وظیفه دارد از جامعه در برابر محتواهای مضر محافظت کند، و از سوی دیگر، باید مراقب باشد که اعمال محدودیت‌ها منجر به نقض حقوق فردی شهروندان نشود. بر این اساس، آموزه‌های فقهی تاکید دارد که هر گونه تصمیم‌گیری باید بر اساس مصالح عمومی و عدم وارد کردن ضرر به افراد و جامعه به‌طور هم‌زمان باشد. بنابراین با توجه به اطلاق قاعده لاضرر و شمول قطعی آن بر اشخاص، این قاعده قطعاً شامل اعمال دولت و ضرورت مسئول شناختن آن در فرض ورود زیان نیز می‌گردد.

## ۲-۲. اصل احترام به حریم مؤمن

اصل احترام به حریم مؤمن یکی از اصول اخلاقی و فقهی بنیادین در اسلام است که در بسیاری از ابواب فقهی، از جمله حقوق افراد و مسئولیت‌های دولت‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. این اصل بیانگر ضرورت حفظ حریم شخصی و احترام به حقوق فردی مسلمانان و دیگر افراد جامعه است. بر اساس این اصل، دولت‌ها و دیگر نهادهای حاکمیتی موظف‌اند که از تجاوز به حریم خصوصی افراد و نقض حقوق آنان جلوگیری کنند و در صورت وقوع چنین نقض‌هایی، مسئولیت جبران خسارت بر عهده نهادهای متجاوز است.

حرمت مؤمن در نزد خداوند هم سنگ حرمت پیامبر، خاندان پیامبر، قرآن و کعبه اهمیت دارد (Kulayni, 1987). جان مسلمان از نظر اسلام حرمت خاصی دارد؛ بنابراین، هیچ کس نمی‌تواند به جان مسلمان لطمه‌ای از قبیل ضرب و جرح وارد آورد و یا با دادن غذای فاسد و مسموم و یا هر چیز دیگری سلامت وی را به خطر اندازد. در فقه اسلامی، قاعده‌ای تحت عنوان حرمة دم المسلم و ماله و عرضه وجود دارد (Mousavi Khalkhali, 2006) که بیانگر اصل احترام به جان، مال و آبروی افراد است. مال و دارایی مسلمان هم چون جان و خون وی محترم است (Tusi, 1908).

با این وصف احترام به حریم اشخاص اولین زیربنای حریم خصوصی در اسلام به حساب می‌آید و با توجه به وسعت معنایی و مصادیق این اصل، اصل حرمت مؤمن هم شامل حراست از حریم خصوصی فرد در زندگی حقیقی می‌گردد و هم زندگی و اطلاعات فضای مجازی فرد را در بر می‌گیرد (Seyed Saadati, 2013).

مبنای احترام، علاوه بر صیانت و حمایت از حریم خصوصی در فضای مجازی، به دلالت تطابقی یا التزامی، بر لزوم جبران خسارت از سوی عامل ورود زیان نیز دلالت دارد، همچنین استثنائات و مجوز نقض حقوق کاربران در فضای مجازی نیز بر مبنای احترام قابل توجیه است؛ بنابراین برخی موارد، نظیر تجاهر به فسق و اذن (در موارد حق)، تخصصاً و در مواردی نظیر وجود مصلحت‌آهم و حکم مقامات قضایی، تخصصیاً و حسب مورد، از شمول موضوعی و حکمی حریم خصوصی خارج می‌شود؛ در مواردی که احترام در ارتباط با مقوله‌های مالی حریم خصوصی است، علی القاعده «حق» و در مواردی که با جنبه‌های حیثیتی و مرتبط با کرامت انسانی است، «حکم» تلقی می‌شود (Qanavati & Javor, 2011).

بنابراین، مبتنی بر اصل مذکور هرگونه تجاوز به حریم مؤمنین غیرمجاز است و از این رو، احترام به حریم مؤمن اولین زیربنای حریم خصوصی در اسلام به حساب می‌آید. با توجه به وسعت معنایی و مصادیق این اصل، حرمت مؤمن هم شامل حراست از حریم خصوصی فرد در زندگی حقیقی می‌گردد و هم زندگی و اطلاعات مجازی فرد را در بر می‌گیرد. گونه عملی که سبب ایجاد خدشه در آبروی مؤمن و تشویش زندگی وی گردد، مردود است؛ چه این اتفاق در ساحت فیزیکی رخ دهد و چه در بستر مجازی اتفاق بیفتد (Seyed Saadati, 2013).

بر اساس این اصل، دولت‌ها موظف به احترام به حریم خصوصی افراد و حفظ کرامت انسانی آن‌ها در فضای مجازی هستند. اگر دولت از طریق اقدامات نظارتی یا فیلترینگ بدون مجوز قانونی و یا به شیوه‌ای نامناسب به حریم خصوصی کاربران شبکه‌های اجتماعی تجاوز کند، مسئولیت مدنی جبران خسارات وارده بر عهده دولت خواهد بود. به عنوان مثال، اگر اطلاعات شخصی کاربران بدون مجوز قانونی یا به شیوه‌ای غیرشفاف جمع‌آوری و استفاده شود، دولت به عنوان مسئول نقض حریم خصوصی کاربران می‌بایست خسارات وارده را جبران کند. همچنین مقصود از احترام، مصونیت اموال از تصرف و تعدی است؛ به این معنا که اولاً، تعدی و تجاوز نسبت به اموال و حریم فضای مجازی جایز نیست و ثانیاً، در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز مسئول و ضامن است. بی‌تردید، مفاد این قاعده از احکام امضایی اسلام است نه تأسیسی؛ چون زندگی خردمندان بر این امر بنیاد شده است و برای هیچ کس جای انکار نیست. به طور کلی، بنیان مالکیت بر این امر مبتنی است. بنابراین، روایات و مستندات نیز مؤید همین بنای عقلایی‌اند. از این رو، تجاوز به حریم خصوصی دیگران در رسانه‌های فضای مجازی، ضمان‌آور است (Sabzali et al., 2023).

بنابراین اصل احترام به حریم مؤمن یکی از مبانی مهم فقهی است که در زمینه مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی قابل استناد است. بر اساس این اصل، دولت موظف است که از نقض حریم خصوصی کاربران جلوگیری کرده و در صورت وقوع چنین نقض‌هایی، مسئولیت جبران خسارات وارده را بر عهده بگیرد. در عین حال، دولت باید با رعایت اصول شرعی و قانونی، تعادل میان حفظ امنیت عمومی و حقوق فردی را برقرار کند تا ضمن تأمین امنیت جامعه، حریم خصوصی شهروندان مورد تعرض قرار نگیرد.

### ۲-۳. اصل احترام به کرامت انسانی

خداوند برای انسان قائل به کرامت شده است و بنی آدم را از ابتدای خلقت مورد تکریم قرار داده و بر سایر موجودات برتری داده است. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ أَمِيرًا لِّلْمُؤْمِنِينَ كَثِيرًا مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (قرآن کریم، سوره اسراء: آیه ۷۰). همچنین انسان علی‌رغم جسم خاکی‌اش، به دلیل برخورداری از روح خدایی، مسجود ملائک شده است «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (قرآن کریم، سوره حجر: آیه ۲۹).

حمایت از حریم خصوصی و حرمت تجاوز به آن در نظام حقوقی اسلام به عنوان یک حکم مطرح است، نه حق. حکم بر خلاف حق قابل اسقاط نیست. این مسئله نشان‌دهنده این است که کرامت انسانی در اندیشه اسلامی به عنوان یک حق در حوزه خصوصی و شخصی افراد مطرح نیست، بلکه اصل احترام به کرامت انسانی یک قاعده عمومی است. به زبان حقوقی، کرامت انسانی و به تبع آن حق بر حریم خصوصی از قواعد آمره است و نمی‌توان مانند قواعد تکمیلی برخلاف آن توافق نمود یا نسبت به نقض آن رضایت داد (Seyed Saadati, 2013).

از منظر آموزه‌های فقهی، اگر دولت از طریق اعمال فیلترینگ غیرضروری یا ناعادلانه، باعث نقض کرامت انسانی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی شود، مسئولیت مدنی برای جبران خسارت‌ها بر عهده آن خواهد بود. این مسئولیت نه تنها شامل خسارت‌های مادی مانند: زیان‌های



اقتصادی ناشی از محدودیت دسترسی به فضای مجازی می‌شود، بلکه آسیب‌های معنوی و روحی که به کرامت و شأن انسانی افراد وارد می‌شود نیز در چارچوب این مسئولیت قرار می‌گیرد.

#### ۲-۴. اصل عمومیت اذن

این اصل برگرفته از قرآن کریم است. منظور از اذن، اجازه گرفتن برای ورود به حریم خصوصی دیگران است. در صورتی که فرد در هر موقعیتی که برای صیانت از حریم خصوصی دیگران سرنوشت‌ساز و جنبه حیاتی دارد، قصد ورود داشته باشد، به تعبیر قرآن کریم، بهتر است که اجازه و اذن دخول بگیرد. اذن گرفتن هم برای فرد اذن‌گیرنده و هم اذن‌دهنده مفید خواهد بود (قرآن کریم، سوره نور: آیات ۲۷ الی ۳۰). باید توجه داشت که اذن دخول تنها مربوط به حریم خصوصی در خانه نیست. در هر صورتی که فرد شرایط و موقعیتی را برای خود به وجود آورده باشد و دور نگه داشتن آن شرایط و موقعیت از دید عمومی و فضای غیرشخصی برای آن فرد اهمیت داشته باشد، حریم خصوصی محسوب شده و گرفتن اذن لازم است. اذن دخول با ابزاری فراهم می‌شود. در حقیقت، اجازه گرفتن از دیگران باید با ابزاری در ارتباط باشد که برای فردی که حریم خصوصی را برای خود لحاظ کرده است، مناسبت داشته باشد (Seyed Saadati, 2013).

بر اساس اصل عمومیت اذن، دولت‌ها در اعمال فیلترینگ و محدودیت‌های خود در فضای مجازی باید دقت کنند که حقوق عمومی افراد را نقض نکنند. اگر دولت بدون دلیل شرعی یا قانونی موجه اقدام به فیلترینگ گسترده شبکه‌های اجتماعی کند و از این طریق به حقوق شهروندان آسیب وارد کند، مسئولیت مدنی جبران خسارت‌های وارده بر عهده دولت خواهد بود. برای مثال، اگر افراد یا کسب‌وکارها به دلیل محدودیت‌های غیرموجه در دسترسی به شبکه‌های اجتماعی دچار خسارت شوند، دولت مسئول است که زیان‌های آن‌ها را جبران کند.

#### ۲-۵. قاعده تسبیب

قاعده تسبیب یکی از اصول مهم فقه اسلامی است که نقش ویژه‌ای در تعیین مسئولیت مدنی دارد. بر اساس این قاعده، هرگاه فرد یا نهادی با انجام عملی یا ترک فعلی باعث ایجاد ضرر به دیگری شود، حتی اگر به صورت مستقیم عامل ضرر نباشد، مسئول شناخته می‌شود و باید خسارت وارده را جبران کند. این قاعده بر مفهوم ایجاد اسباب و شرایطی استوار است که به وقوع ضرر منجر می‌شود، نه ضرورتاً دخالت مستقیم در آن. در باب تسبیب، علت، ضرر عاملی است که با زیان رابطه غیرمستقیم دارد. «هو التسبیب کل ما يحصل التلف عنده بغير العله» (Makarim Shirazi, 1987).

در این راستا، دولت در قبال اعمال پالایش شبکه‌های اجتماعی مجازی ممکن است بر اساس قاعده تسبیب مسئول شناخته شود، زیرا فیلترینگ می‌تواند کسب‌وکارهای اینترنتی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است درآمدهای خود را از دست بدهند یا دچار ورشکستگی شوند. در این حالت، دولت به عنوان مسبب زیان اقتصادی مسئول شناخته می‌شود.

#### ۳. مبانی حقوقی

مبانی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، از اصولی همچون حق آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات و حریم خصوصی سرچشمه می‌گیرد. این مبانی نه تنها در قوانین داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین‌المللی حقوق بشری نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. دولت‌ها موظفند ضمن حفظ امنیت و نظم عمومی، از تجاوز به حقوق اساسی شهروندان در فضای مجازی خودداری کنند. از این رو، مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ، نیازمند بررسی و تبیین دقیق حقوقی است تا از یک سو حقوق و آزادی‌های کاربران حفظ شود و از سوی دیگر، مصلحت عمومی و امنیت جامعه تأمین گردد.

### ۳-۱. نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر

مسئولیت مبتنی بر تقصیر در حقوق به این معناست که برای آنکه شخص یا نهادی ملزم به جبران خسارت شود، باید ثابت شود که وی در انجام تکالیف خود مرتکب تقصیر شده است. تقصیر، به معنای عمل یا ترک عملی است که از فرد متعارف در شرایط مشابه انتظار می‌رود. این مفهوم شامل رفتارهایی است که از نظر حقوقی نادرست یا غیرمنطقی تلقی می‌شود و منجر به زیان دیگران می‌شود. در نظریه‌های جدید، تقصیر، خروج از رفتار متعارف دانسته شده و در واقع تقصیر مفهوم اجتماعی پیدا کرده است. طبق نظریه تقصیر، تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت کسی را در مورد جبران خسارتی توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر وارده است (Mirdadashi, 2014).

برخی از حقوقدانان امکان تبیین مسئولیت واسطه‌های ارائه خدمات اینترنت را بر پایه فرض تقصیر متصور دانسته‌اند. تبیین مسئولیت مدنی واسطه‌ها بر پایه فرض تقصیر دارای دو مزیت است: اول اینکه: فرض تقصیر واسطه در صورت وقوع فعل زیانبار توسط کاربران یا اشخاص ثالث امکان اقامه دعوی علیه واسطه‌ها را تسهیل می‌کند و مسئولیت اولیه او بر فرض تقصیر ثابت است مگر اینکه واسطه، عدم تقصیر خود را ثابت کند و دوم اینکه علیرغم فرض تقصیر واسطه، به طور کلی نقش کاربران و اشخاص ثالث در تحقق زیان نادیده انگاشته نمی‌شود و در صورت رعایت نظامات مربوطه و اثبات عدم تعدی و تفریط (تقصیر) از مسئولیت مبری خواهد شد (Abh, 2011 & Miri, ri).

در زمینه اعمال فیلترینگ، تقصیر دولت می‌تواند به معنی اعمال محدودیت‌های بی‌ضابطه، غیرموجه یا بدون رعایت حقوق اساسی شهروندان باشد. به بیان دیگر، اگر دولت در اعمال فیلترینگ، بدون استناد به دلایل حقوقی معتبر و یا بدون توجیحات لازم اقدام به محدودیت دسترسی به شبکه‌های اجتماعی کند، و این اقدام به شهروندان یا کسب‌وکارها خسارت وارد کند، می‌توان گفت دولت مرتکب تقصیر شده است و مسئول جبران خسارات خواهد بود.

با این اوصاف شبکه‌های اجتماعی مجازی، مکانی است که تا حدود زیادی در اختیار و کنترل دولت است و دولت در فضای سایبر دست برتر را دارد و اگر بنا باشد که مسئولیت دولت را در این فضا منوط به اثبات تقصیر بدانیم، احراز و اثبات وقوع تقصیر از سوی دولت توسط شهروند عادی زیان‌دیده دشوار خواهد بود و ممکن است، اساساً امکان تحقق مسئولیت مدنی دولت را تا حدود زیادی کم کند، نتیجه‌ای که منصفانه و بر پایه عدالت نخواهد بود، در حالی که در آموزه‌های فقهی، اصل بر این است که در صورت قابلیت استناد زیان به عامل آن، جبران خسارت امری مسلم است و تقصیر نقشی در مسئولیت عامل زیان نخواهد داشت.

### ۳-۲. نظریه مسئولیت مبتنی بر خطر

نظریه خطر یکی از نظریه‌های مهم در حقوق مسئولیت مدنی است که بر این اصل استوار است که هرگاه فعالیت یا اقدام یک شخص (یا نهاد) به خودی خود باعث ایجاد خطر برای دیگران شود، حتی بدون نیاز به اثبات تقصیر، آن شخص یا نهاد مسئول جبران خسارت‌های ناشی از آن فعالیت خواهد بود. این نظریه به طور ویژه در مواردی کاربرد دارد که فعالیت‌های خاصی از سوی دولت یا نهادهای عمومی موجب زیان به شهروندان شود، هرچند که دولت در انجام آن فعالیت مرتکب تقصیر نشده باشد.

یکی از مبانی بسیار مهمی که در ذیل مسئولیت مدنی ناشی از فضای مجازی می‌توان در اتحادیه اروپا مورد مطالعه قرار داد، نظریه خطر است (Mohammadi Kordkhili, 2021)، مقررهای که پیش‌بینی این نوع از مسئولیت را برای واسطه‌های اینترنتی تقویت می‌نماید، مفاد ماده ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی است. در ماده مذکور این مقرر شده: «هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم‌های موسسات

خصوصی و دولتی، به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسئول جبران خسارات وارد می‌باشند مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود».

در خصوص استناد به ماده یاد شده برای توجیه مسئولیت واسطه‌ها برخی با توجه به اینکه مسئولیت واسطه‌ها فقط در مورد «قطع فیزیکی ارتباط» و «فعل شخصی افراد» که از حیطة اختیار واسطه‌ها خارج بوده، مستثنی گردیده و در مواردی که در نتیجه نقص یا ضعف سیستم، خساراتی به بار آورند، بدون توجه به عنصر تقصیر مسئول تلقی شده‌اند، به دنبال توجیه مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه خطر هستند. بنابراین در صورت وقوع خسارت ناشی از فعل واسطه‌ها، مسئولیت مدنی آنان مسلم بوده مگر اینکه ثابت کنند خسارات ناشی از عامل خارجی (قطع فیزیکی یا فعل شخص ثالث (کاربر) می‌باشد (Malakouti, 2016).

در حالی که به نظر می‌رسد چنین تفسیری از ماده یاد شده صحیح نمی‌باشد، زیرا عبارت «نقص و ضعف سیستم» مربوط به وظایف خاص و حرفه ایی چنین مؤسساتی در راستای ارائه خدمات اینترنت است و با توجه به مقررات قانونی حقوق ایران، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۹۵۱ الی ۹۵۳ قانون مدنی این موضوع از مصادیق تقصیر (تفریط و قصور) بوده و بر خلاف نظر کسانی که از ماده یاد شده مسئولیت مبتنی بر نظریه خطر را استنباط نموده اند، در اینجا نیز مسئولیت مبتنی بر تقصیر ارائه دهندگان، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

با این اوصاف طبق نظریه خطر، مسئولیت دولت در این زمینه به این معناست که حتی اگر دولت با حسن نیت و به دلایل موجه اقدام به فیلترینگ کند، همچنان مسئول جبران زیان‌های ناشی از این اقدام است. به عبارت دیگر، دولت نمی‌تواند با استناد به نبود تقصیر از جبران خسارت فرار کند. فیلترینگ به خودی خود یک عمل خطرآفرین است که می‌تواند به حقوق اساسی افراد از جمله حق دسترسی به اطلاعات، حق آزادی بیان و حقوق اقتصادی کاربران آسیب وارد کند.

با این تحلیل، رابطه علت میان زیان و عامل زیان به تنهایی برای الزام به جبران خسارت کافی است. در حالی که بسیاری از اقدامات حاکمیتی دولت که لازم و ضروری است، منجر به ورود خسارت به شهروندان می‌شود، در این حال پذیرش جبران خسارات دولت در تمامی حالات مذکور غیرعقلانی به نظر می‌رسد.

### ۳-۳. نظریه تضمین حق

نظریه تضمین حق اعلام می‌دارد که هر کس حق دارد در جامعه خود، سالم و ایمن زندگی کند و حقوق او تضمین شود. هیچ کس حق ندارد حقوق و سلامتی و ایمنی زندگی دیگران را به خطر اندازد. به محض این که حقی از بین رفت و زانی وارد شد باید آن را جبران کند و همین الزام به جبران زیان، مسئولیت مدنی نامیده می‌شود. حسن بزرگ این نظریه آن است که به تضمین حقوق افراد زیان دیده و حمایت قانونی از آن توجه و تاکید دارد (Sartipzadeh & Ghaffari, 2018).

لذا باید در هر صورت، دولت را مسئول اعمال خود بدانیم به گونه‌ای با شناسایی مبنای مسئولیت دولت مبتنی بر تضمین حق، از حقوق شهروندان حمایت بشود (Ghamami, 1997)؛ این نظریه با قاعده لاضرر هم مطابقت دارد به گونه‌ای که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند.

یکی از مهم‌ترین حقوقی که در نظریه تضمین حق مطرح می‌شود، حق دسترسی به اطلاعات است. دسترسی آزادانه به شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله مهم‌ترین ابزارهای دسترسی به اطلاعات در دنیای امروز است. در همین راستا ماده ۳۳ منشور حقوق شهروندی جمهوری

اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ مقرر داشته است: «حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است».

اعمال فیلترینگ گسترده و ناموجه می‌تواند این حق اساسی را نقض کند. اگر فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی باعث محدود شدن دسترسی افراد به اطلاعات ضروری یا تضعیف توانایی آن‌ها برای بیان آزادانه نظرات خود شود، دولت مسئول نقض این حق بوده و ملزم به جبران خسارت است.

در زمینه فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مجازی، نظریه تضمین حق به معنای الزام دولت به حفظ و حمایت از حقوق کاربران فضای مجازی، به‌ویژه حق دسترسی به اطلاعات و حق آزادی بیان، مطرح می‌شود. اگر دولت اقدام به فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی کند و این اقدام موجب نقض حقوق اساسی کاربران شود، دولت نه تنها از منظر مسئولیت مدنی بلکه از منظر نقض تضمین‌های حقوقی در برابر شهروندان مسئول شناخته می‌شود و باید خسارت‌های وارده را جبران کند.

### نتیجه‌گیری

بحث پیرامون مبانی فقهی و حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال فیلترینگ (پالایش) شبکه‌های اجتماعی مجازی نشان‌دهنده اهمیت بالای توازن میان حقوق شهروندان و وظایف و اختیارات دولت در حفظ نظم عمومی، امنیت ملی و اخلاق عمومی است. از منظر فقهی، قواعدی مانند قاعده لاضرر، اصل احترام به کرامت انسانی، اصل حرمت حریم مؤمن، اصل عمومیت اذن و قاعده تسبیب به عنوان پایه‌هایی مستحکم برای الزام دولت به رعایت حقوق افراد و عدم وارد کردن ضرر غیرموجه به آن‌ها مطرح می‌شوند. این اصول نه تنها بر منع ضرررسانی تأکید دارند، بلکه بر حفظ کرامت، حریم خصوصی و آزادی‌های فردی نیز اصرار می‌ورزند.

از منظر حقوقی، نظریه‌های مختلفی مانند نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر، نظریه خطر و نظریه تضمین حق به تبیین مسئولیت دولت در اعمال فیلترینگ می‌پردازند. بر اساس این نظریه‌ها، دولت مسئولیت دارد تا در مواجهه با فیلترینگ، حتی در صورت عدم اثبات تقصیر، زیان‌های وارد شده به کاربران را جبران کند. نظریه خطر بر این است که خود عمل فیلترینگ به دلیل ماهیت محدودکننده و آسیب‌زای آن برای حقوق اساسی شهروندان، مسئولیت‌آور است. همچنین، بر اساس نظریه تضمین حق، دولت موظف به حفظ و حمایت از حقوق بنیادین کاربران فضای مجازی مانند حق آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و حریم خصوصی است.

هر چند دولت‌ها موظفند با جرم‌انگاری مناسب در حوزه جرایم فضای مجازی، از بسیاری از آسیب‌هایی که متوجه اشخاص است، جلوگیری کنند و از حقوق اشخاص حمایت نمایند، اما در مواقعی، اقدام و عمل نامناسب دولت در رابطه با جرایم فضای مجازی، ناقض حقوق اشخاص است. برای مثال، دولت به منظور پیشگیری و مبارزه با یک جرم، اقداماتی انجام می‌دهد که حق شخصی افراد در بهره‌مندی از فضای مجازی را نقض کرده که به دنبال آن، خسارات زیادی به افراد وارد می‌گردد، بنابراین آیا، قوانین موجود، مسئولیت مدنی دولت را شناسایی کرده‌اند؟ و یا این که در هر مورد باید به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی رجوع نمود که به دلیل قدمت این قانون، نمی‌تواند در هر مورد خاص اصل جبران خسارت وارده را تضمین نماید.

در صورتی دولت در اجرای وظایف حاکمیتی به شهروندان زیان زده است، نباید وی را مشمول معافیت قسمت اخیر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی دانست. معافیت از مسئولیت مدنی دولت ناشی از اعمال حاکمیتی را باید محدود به فرضی دانست که دولت در اجرای صحیح وظایف حاکمیتی خود به شهروندان زیان برساند. برای مثال، اگر دولت برای دفع حملات سایبری صورت گرفته به تأسیسات کشور مجبور شود اینترنت را پالایش کند و در نتیجه این امر به شهروندان خسارت وارد گردد، به نظر می‌رسد که در این مورد نباید مسئولیت دولت را مبتنی بر تقصیر تلقی کرد و زیان‌دیده تکلیفی به اثبات وجود تقصیر دولت ندارد؛ زیرا اثبات تقصیر دولت در حالتی که مشغول انجام وظیفه حاکمیتی خود است، ناممکن یا اصولاً بسیار دشوار است. همچنین دولت در انجام وظایف حاکمیتی در موضعی قرار ندارد که بتوان در خصوص افعال او تقصیر یا عدم تقصیر را در نظر گرفت. از این رو فرض مذکور را نمی‌توان از مصادیق اعمال حاکمیتی دانست که موجب مسئولیت دولت نشود؛ زیرا انجام صحیح این وظیفه با وارد نشدن زیان به شهروندان منافات ندارد.

با این وصف مسدود نمودن دسترسی کاربران به وبسایت‌های یاد شده نقض آشکار حق آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات است. وقتی کاربران ایرانی حق ایجاد صفحات شخصی در شبکه‌های اجتماعی مجازی خارجی را نداشته باشند، نمی‌توانند با دیگر کاربران در ارتباط بوده و آراء و اندیشه‌های خود را مطرح نمایند. همچنین نتیجه این رویکرد این است که کاربران ایرانی حق به اشتراک گذاشتن و یا دریافت محتویات موجود در این وبسایت‌ها را نداشته و قادر نخواهند بود اخبار روز دنیا را از این منابع پیگیری نمایند. پژوهشگران و دانشجویان ایرانی قادر به دریافت جدیدترین نتایج تحقیقات علمی که به صورت فیلم در وبسایت یوتیوب به اشتراک گذاشته می‌شود، نیستند و نمی‌توانند سمینارها و کنفرانس‌های علمی برگزار شده در ایران را با دیگر کاربران به اشتراک بگذارند. البته لازم به ذکر است که بعضاً در شبکه اجتماعی اینستاگرام و کانال‌های تلگرام محتویات غیراخلاقی و مجرمانه منتشر می‌شود؛ لیکن، نکته اساسی اینجاست که محتویات غیراخلاقی و مجرمانه، نباید مانع از دسترسی کاربران به محتویات غیرمجرمانه شوند.

با این اوصاف در جهت تضمین حقوق اشخاص، نمی‌توان مسئولیت دولت را مبتنی بر تقصیر دانست و انتظار داشت که خسارات وارده بر اشخاص جبران گردد. چرا که از یک طرف، امکان اثبات تقصیر دولت، بسیار دشوار است و از طرفی دیگر، با استناد به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، دولت به راحتی می‌تواند از مسئولیت مبرا گردد. لذا با توجه به گسترش نقش دولت در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین اقتضاعات خاص فضای مجازی، باید تحولی در مسئولیت مدنی دولت صورت گیرد تا خسارات وارده از سوی دولت جبران گردد و نمی‌توان شاهد ورود خسارت بود و وارد کننده زیان را معاف از مسئولیت دانست. این امر برخلاف اصول و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

The concept of civil responsibility of the state in Islamic jurisprudence, particularly in relation to actions such as filtering social media networks, has not been extensively discussed in classical Islamic texts. However, the principle of civil responsibility, rooted in the maxim *Lā zarar wa Lā zirār fī al-Islām* (no harm should remain unremedied), remains foundational. In Islamic legal thought, harm caused by an individual or the state must be compensated, ensuring that no damage goes unredressed. This concept aligns with contemporary discussions on the civil responsibility of governments, particularly in cases where state actions, such as censorship or the filtering of content, cause harm to citizens. Governments' growing involvement in regulating the digital space—especially with the advent of social media—has made the discussion of state liability in cyberspace even more pertinent. This article examines the foundations of the state's civil responsibility in relation to the filtering of social media networks, using both Islamic jurisprudence and contemporary legal frameworks to explore the ethical, legal, and moral implications of these practices.

The increasing use of social media as a tool for communication, economic interaction, and social engagement has transformed traditional modes of information exchange. While social media platforms offer significant benefits, they also present new challenges, such as the spread of harmful content, privacy violations, and the potential for societal harm. Governments have increasingly implemented policies like internet filtering and content regulation as a means of controlling access to harmful or illegal material. However, such policies can infringe upon fundamental rights, including the right to free expression, access to information, and privacy. While these policies may serve to protect the public interest, they also raise concerns about the balance between ensuring security and protecting individual freedoms. In this context, the paper investigates the legal and ethical underpinnings of state responsibility for the filtering of social media networks, addressing questions such as: To what extent is the state liable for the harm caused by filtering? And, can the state act without taking responsibility for the damages inflicted on its citizens?

In Islamic law, the notion of civil responsibility finds its basis in several foundational principles. The most significant of these is the *Lā zarar* principle, which prohibits the imposition of harm without recompense. This principle is reinforced by the belief that the state has an obligation to prevent harm to its citizens, even in the context of digital regulation. For instance, filtering may be implemented to safeguard against harmful content, but this action itself can result in harm, particularly when it restricts access to information or interferes with free expression (Pournajafi Qoshchi et al., 2020). The state must thus ensure that its actions in regulating cyberspace do not unjustly harm individuals or infringe upon their rights. The principle of *Lā zarar* is particularly relevant when discussing government-imposed internet censorship, as it emphasizes that harm caused by such actions must be addressed through appropriate legal remedies. If filtering measures cause undue harm, such as financial losses for online businesses or the curtailing of individual freedoms, the government could be held responsible for compensating the affected parties.

The concept of *Lā zarar* is complemented by other Islamic principles, such as the respect for privacy and the protection of human dignity. Privacy is a cornerstone of Islamic jurisprudence, particularly in the digital realm where personal data can be exposed or mishandled by government actions. The principle of *Harām al-Mu'min* (respect for the sanctity of individuals) asserts that individuals' privacy must be protected and that any violation of this sanctity—whether in the physical or digital world—entitles the affected parties to compensation (Seyed Saadati, 2013). This principle applies to government actions, such as excessive surveillance or intrusive filtering, which can violate the

privacy of individuals using social media. The paper argues that the state must take proactive measures to protect users' privacy while also balancing its role in ensuring public safety. As such, the state's failure to respect privacy through indiscriminate filtering could result in its civil responsibility for the harm caused, as this action constitutes an infringement on users' rights.

In addition to Islamic jurisprudence, modern legal frameworks also provide a basis for holding the state accountable for the consequences of internet filtering. The legal theories of negligence-based liability and risk-based liability offer insights into how the state's actions in cyberspace can be evaluated. Negligence-based liability requires proof that the state's actions were careless or without adequate justification. For instance, if the government filters content without sufficient legal basis or fails to consider the broader societal consequences of its actions, it could be deemed negligent and therefore liable for the damages incurred (Mirdadashi, 2014). On the other hand, risk-based liability focuses on the inherent risks associated with certain state actions, such as internet filtering. In this case, even if the government acts in good faith, the act of filtering itself may be inherently harmful to individuals' rights and freedoms. Therefore, the government may still be liable for the resulting damage, regardless of the absence of direct fault. This approach underscores the idea that some actions, such as filtering, carry risks that inherently harm citizens' rights, and as such, the state should be held responsible for any resulting harm.

Further, the guarantee of rights theory emphasizes the state's duty to protect citizens' fundamental rights, including their right to access information and to free expression. This theory asserts that when an individual's rights are violated, the state has an obligation to remedy the harm by providing compensation (Sartipzadeh & Ghaffari, 2018). The right to access information has become increasingly important in the digital era, as social media networks serve as key platforms for communication, education, and business. Any state action that limits access to these platforms must be scrutinized to ensure that it does not violate citizens' rights. In the case of social media filtering, the state must demonstrate that its actions are legally justified and do not unduly restrict citizens' ability to engage in free expression or access information. If the government imposes unjustifiable restrictions on social media networks that hinder citizens' access to information, it would be liable for any resulting harm.

Finally, the paper discusses the legal implications of these theories in the context of the Iranian legal system. The Citizens' Rights Charter of the Islamic Republic of Iran underscores the right of citizens to access information freely and without discrimination, which is protected by law (Article 33, Citizens' Rights Charter, 2016). This right includes access to social media platforms, which play a crucial role in contemporary communication. The government's actions to filter or block these platforms may violate this fundamental right, and if these actions lead to harm—whether economic, social, or personal—the government should be held accountable for the resulting damages. The paper advocates for a legal framework that recognizes the state's civil responsibility for filtering actions and ensures that any harm caused is compensated. As digital engagement becomes increasingly central to daily life, it is essential that legal systems evolve to address the complexities of state actions in cyberspace and the responsibility of governments to protect citizens' rights.

In conclusion, this paper argues that the state holds civil responsibility for the harm caused by its actions in filtering social media networks. Drawing from both Islamic jurisprudence and modern legal theories, the paper highlights the importance of balancing the state's regulatory role with the protection of individual rights. The state's responsibility in this regard is not contingent on proving negligence but rather on the inherent risks and consequences of filtering actions. The state must take steps to ensure that its actions in cyberspace do not infringe upon the fundamental rights of citizens,

and it must compensate for any harm caused by unjustified filtering measures. As the digital landscape continues to evolve, the legal and ethical frameworks surrounding the civil responsibility of the state will need to adapt to ensure the protection of individual rights in the virtual world.

## References

- Abshari, H., & Miri, H. (2011). A Comparative Study of the Foundations of Civil Liability of Internet Service Providers. *Comparative Law Researches*, 15(3).
- Ameli, S. S. R. (2017). *Fundamental Theories and Concepts of Electronic Government*. Amir Kabir Publishing Institute.
- Ghamami, M. (1997). *Civil Liability of the Government*. Dadgostar Publications.
- Heidari, V., & Ghamami, S. M. M. (2021). The Conflict Between the Rule of No Harm and the Rule of Beneficence in Civil Liability of the Government. *Public Law Thoughts*, 10(19).
- Javidnia, J., Abedi Sarasya, A., & Soltani, A. (2015). A Study of Criminal Content Filtering Policies (Filtering) from a Jurisprudential Perspective. *Biannual Scientific - Research Journal of Religion and Communications*, 22(2).
- Keramati Moaz, H. (2020). *Victimology of Children in Social Networks*. Dadgostar Publications.
- Keramati Moaz, H., & Mirkhali, S. M. (2020). Critique of Filtering Policies in Preventing Victimization of Adolescents in Social Networks as a New Environment in Human Geography. *Quarterly Scientific - Research Journal of New Views in Human Geography*, 11(2).
- Khodabakhshi, A. (2017). *Insurance Law and Civil Liability*. Public Joint Stock Company Enteshar.
- Kulayni, M. b. Y. q. (1987). *Al-Kafi*. Dar Al-Kutub Al-Islamiyah.
- Makarim Shirazi, N. (1987). *Al-Qawa'id Al-Fiqhiyyah*. Imam Ali bin Abi Talib School.
- Malakouti, R. (2016). *Civil Liability in Cyberspace*. Majma' Scientific and Cultural Majd.
- Mirdadashi, S. M. (2014). *Civil Liability of Public Institutions in Iranian and Egyptian Law*. Mofid University Publications.
- Mohammadi Kordkhili, H. (2021). *Foundations of Civil Liability Arising from Internet Communications in Iranian Law and the European Union* (Vol. 15).
- Mousavi Khalkhali, S. M. M. (2006). *Fiqh al-Shia - Kitab al-Ijarah*. Munir Publishing Center.
- Pourghahramani, B. (2016). *Iran's Criminal Policy Regarding Cybercrimes: A Comparative Study with International Documents*. Institute for Legal Studies and Researches (Shahr Danesh).
- Pournajafi Qoshchi, L., Fakhri, & Pourghahramani, B. (2020). Filtering in Cyberspace in Light of Human Rights Documents. *Criminal Law Teachings*, 17(19).
- Qanavati, J., & Javor, H. (2011). Foundations of Respect in Recognizing and Protecting Privacy in Communication Law. *Islamic Law Journal*, 8(29).
- Sabzali, N., Hasani, A., & Khajehzadeh, A. (2023). Civil Liability of the Government Due to Internet Communications in Iranian Law and International Documents. *Quarterly Journal of New Researches in Administrative Law*, 5(14).
- Sadeghi, H., & Qasemi, A. (2022). Government Civil Liability Regarding Filtering (Censorship) with a Look at Foreign Laws and International Human Rights Documents. *Public Law Thoughts*, 12(22).
- Sartipzadeh, R., & Ghaffari, M. (2018). Elements and Conditions of Civil Liability of the Government for Compensation of Damages. National Conference on Innovative and Creative Thoughts in Management, Accounting, and Legal and Social Studies.
- Seyed Saadati, F. (2013). Protection of Privacy in Cyberspace Based on Islamic Norms. *Quarterly Journal of Strategic Culture*(23).
- Tusi, M. b. H. (1908). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah*. Al-Murtazawi Library for Reviving Ja'fari Works.
- Yang, W.-S., Dia, J.-B., Cheng, H.-C., & Lin, H.-T. (2006). Mining Social Networks for Targeted Advertising. Proceedings of the 39th Hawaii International Conference on System Sciences,